

## بررسی تاثیر ساختار واحد حسابرسی داخلی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

مهدیه اصفهانی زاده<sup>a</sup>، سجاد کرد منجیری<sup>b</sup>

<sup>a</sup> کارشناسی ارشد، رشته حسابداری، موسسه غیر انتفاعی روزبهان، ساری، ایران (Esfahanizadeh.mh@gmail.com)

<sup>b</sup> مدرس موسسه غیر انتفاعی روزبهان، ساری، ایران (s.kordmanjiri95@gmail.com)

**چکیده:** هدف این پژوهش، بررسی تاثیر ساختار واحد حسابرسی داخلی بر کیفیت گزارشگری مالی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق حاضر را کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تشکیل می‌دهند که طی سال های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ در بورس فعالیت داشته اند. جهت تعیین حجم نمونه مناسب از این جامعه، از روش حذف سیستماتیک و اعمال محدودیت های نمونه گیری ۱۰۰ شرکت انتخاب شده اند. همچنین کلیه مراحل در نرم افزار ایویوز EVIEWS با آزمون رگرسیون پانل انجام گرفته است. در نهایت نتایج نشان داد که تعداد کارکنان واحد حسابرسی داخلی بر کیفیت گزارشگری مالی تاثیر دارد، سطح تحصیلات مدیر حسابرسی داخلی بر کیفیت گزارشگری مالی تاثیر دارد و تجربه مدیر حسابرسی داخلی بر کیفیت گزارشگری مالی تاثیر دارد.

**کلمات کلیدی:** واحد حسابرسی داخلی، کیفیت گزارشگری مالی، حسابرسی داخلی

### ۱. مقدمه

حسابرسی داخلی به عنوان حرفه ای برای یاری سازما نها در انجام درست کارها، پا به عرصه وجود گذاشت. حسابرسی داخلی به سرعت در جهان مورد پذیرش و حمایت مدیران شرکت ها قرار گرفت و اهمیت یافت. در راستای استقرار کنترل داخلی مناسب و اثربخش، مدیران ارشد اجرایی می بایست ضمن استقرار و به کارگیری کنترل های داخلی، مطابق با دستورالعمل کنترل داخلی از نتایج ارزیابی حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی داخلی استفاده نمایند. باید به خاطر آورد که حسابرسی داخلی یک عملکرد یاری کننده به راهبری بنگاه، به منظور مدیریت بهتر فعالیت های مربوطه می باشد. حسابرسان داخلی خطرهایی را که سازمان با آن روبرو است از طریق آزمون های مناسب در برنامه حسابرسی خود ارزیابی میکنند (داداشی و همکاران، ۱۳۹۷).

حسابرسان با اعتبار دادن به صورت های مالی شرکت ها، نقش حساسی را در فرآیند گزارشگری مالی ایفا می کنند. اگرچه استانداردهای حسابرسی صریحا مسئولیت خاصی را برای حسابرسان در کشف تقلب های احتمالی مدیریت و تحریف صورت های مالی، مشخص نکرده است اما استانداردهای بین المللی حسابرسی، حسابرسان را ملزم می کند که به منظور کشف اشتباهات یا تخلفاتی که می توانند تاثیر بااهمیتی بر صورت های مالی داشته باشند، آزمون های خاصی را طراحی و اجرا نمایند. در همین راستا توجه به کار حسابرسان داخلی از دو جهت حائز اهمیت است. اول اینکه یکی از نشانه های مهم نارسایی سیستم کنترل داخلی، وجود یک واحد حسابرسی داخلی ضعیف می باشد و حسابرسان می توانند آن را به عنوان نشانه ای برای برآورد ریسک کنترل صاحب کار در نظر بگیرند. دوم اینکه اجرای یک برنامه حسابرسی گسترده مستلزم صرف هزینه های زیادی می باشد. به ویژه اگر اجرای برنامه مزبور، منجر به کشف تحریف های احتمالی نیز نگردد. از آنجا که حسابرسان با محدودیت های مالی و زمانی مواجه می باشند، ضروری است تا عواملی که می توانند باعث افزایش کارایی و اثربخشی فرآیند حسابرسی شده و از انجام کارهای موازی و تکراری توسط حسابرسان جلوگیری نمایند به خوبی شناخته شوند. از جمله این عوامل میزان اتکا حسابرسان مستقل بر کار انجام شده توسط حسابرسان داخلی است. این مسئله یکی از چالش های مستمری است که حرفه حسابرسی با آن روبرو می باشد (حساس یگانه، ۱۳۷۹).